



تفسیر فقهی قرآن

تفسیر فقهی، گرایشی در **تفسیر قرآن** می‌باشد. در این گرایش تفسیری، **مفسر**، **آیات الاحکام** یعنی **آیات** بین‌گر **احکام شرعی** متعلق به اعمال مکلفان را تفسیر و تبیین می‌کند. [۱] التفسیر و المفسرون، معرفت، ج ۲، ص ۳۵۴.

فهرست مندرجات

- ۱ - جایگاه
- ۲ - گستره آیات الاحکام
- ۳ - ویژگی‌های آیات الاحکام
 - ۳.۱ - کلی بودن
 - ۳.۲ - پراکنده بودن میان سوره‌ها
 - ۳.۳ - غیر نص بودن
 - ۳.۴ - قرار گرفتن میان مباحث دیگر
 - ۳.۵ - بیان احکام با تعبیر گوناگون
 - ۳.۵.۱ - احکام الزامی
 - ۳.۵.۲ - موضوعات مشر و ع
 - ۳.۵.۳ - نواهی
 - ۳.۵.۴ - موضوعات مباح
- ۴ - پیشینه
- ۵ - تفسیر فقهی پیامبر (ص)
 - ۵.۱ - عمل بدون استناد به قرآن
 - ۵.۲ - بیان احکام با استناد به قرآن
- ۶ - فهرست منابع
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

جایگاه

تفسیر فقهی در میان دیگر گرایش‌های **تفسیر قرآن**، اهمیت و ضرورت ویژه‌ای دارد، زیرا **قرآن کریم** از دیدگاه همه **مذاهب اسلامی** مهم‌ترین منبع **تشریح احکام** و **قوانین اسلامی**

[۱] منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص ۵.

[۲] فقه الاسلام، ص ۱۰.

[۳] فقه القرآن، ج ۱، ص ۸.

است و اعتبار و **حجیت سنت** که عمده **احکام شرعی** از آن **استنباط** و استخراج می‌شود نیز به **قرآن** باز می‌گردد، از این رو **پیامبر** (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

[۴] و سائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱۱.

[۵] بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۵.

[۶] کنز العمال، ج ۱، ص ۱۹۶.

و **اهل بیت** (علیهم‌السلام)

[۷] الکافی، ج ۱، ص ۶۹.

[۸] و سائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱۰.

[۹] بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۲.

در روایاتی متعدد، به **مسلمانان** توصیه کرده‌اند که اگر سخنی از سخنان منسوب به ما با کتب خدا مخالف بود آن را نپذیرید، بر این اساس، توجه به مباحث و **آیات فقهی قرآن** و تفسیر و تبیین این **آیات** از مهم‌ترین نیازهای ضروری مسلمانان به شمار می‌رود که **فقه‌های اسلامی** از صدر **اسلام** تاکنون به آن توجه کرده و در تألیفاتی خاص یا ضمن تفاسیر جامع یا کتب فقهی به شرح و تفسیر این آیات پرداخته‌اند.

در تعیین گستره مباحث فقهی و **آیات الاحکام قرآن** میان عالمان اسلامی دو دیدگاه وجود دارد: مشهور فقیهان و مفسران، محدوده آیت فقهی قرآن را منحصر به آیت بیانگر **احکام فرعی** و تکالیف عملی مانند **طهارت، نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، نکاح، ارث، حدود، دیات و عقود** می‌دانند.

[۱۱] کنز العرفان.

[۱۲] فقه القرآن.

[۱۳] احکام القرآن، شافعی.

به نظر اینان، آیت فقهی قرآن بسیار اندک‌اند و شمار آن‌ها از ۵۰۰ آیه نمی‌گذرد؛

[۱۴] فقه القرآن، ج ۱، ص ۸.

[۱۵] البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۳۰.

[۱۶] المستصفی، ص ۳۴۲.

اما برخی دیگر بر آن‌اند که افزون بر موضوعات یاد شده مباحث فقهی دیگری نیز در قرآن مطرح‌اند. بر اسس این دیدگاه بسیاری از آیت دیگر قرآن از جمله **آیت تاریخی و قصص، آیت اخلاقی، آیت مربوط به مثل‌ها و آیت اعتقادی** را می‌توان از آیت الاحکام دانست و از آن‌ها **حکم فقهی** استنباط کرد.

[۱۷] البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۳۰.

[۱۸] فقه‌پژوهی قرآنی، ص ۱۱۲ - ۴۵۰.

[۱۹] پژوهش‌های قرآنی، س ۱، ش ۴، ص ۶۵ - ۸۰، «گستره مباحث فقهی قرآن».

شمار آیت فقهی قرآن را ۲۰۰

[۲۰] تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۳۱.

۲۴۰

[۲۱] منتهی المرام، ص ۴۵۹.

۳۴۰

[۲۲] الاسلام عقیده و شریعه، ص ۴۸۱.

و ۳۷۰

[۲۳] زبده البیان، ص ۱۹ - ۷۸۴.

آیه گفته‌اند. **عبدالله خلیف** آن‌ها را ۲۸۵ آیه شمارش کرده، می‌گوید: احکام قرآن در زمینه احوال شخصی و خانواده ۷۰ آیه، درباره **معاملات** میان مردم ۷۰ آیه، **احکام جنایی و جزایی** که برای حفظ حیات مردم و اموال و اعراض و حقوق آنان آمده‌اند ۳۰ آیه، احکام مربوط به **قیضا و شهادت** ۱۳ آیه، احکام دستورات و قواعد کلی برای تنظیم سیاسی جامعه ۱۰ آیه، احکام بین المللی و مسائل مربوط به معاملات دولت‌ها و نیز **جنگ و صلح** ۲۰ آیه و **احکام اقتصادی**، مالی و مسائل مربوط به تهی‌دستان و توان‌گران ۱۰ آیه‌اند.

[۲۴] علم اصول الفقه، ص ۳۱.

مشهور میان علمای اسلامی این است که قرآن دارای ۵۰۰ آیه فقهی است.

[۲۵] البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۳۰.

[۲۶] فقه القرآن، ج ۱، ص ۸.

عده‌ای نیز کتب تفسیری آیت الاحکام را به همین عنوان نام نهاده‌اند که از آن جمله می‌توان به تفسیر الخمسمائة آیه فی الاحکام **مقاتل بن سلیمان** (م. ۱۵۰ ق.) و النهایة فی تفسیر خمس مائة آیه فی الاحکام **احمد بن عبدالله متوج بحرانی** (م. ۷۷۱ ق.) اشاره کرد؛ ولی بسیاری از فقهای اسلامی شمار آیت فقهی قرآن را بیش از این مثلا ۸۰۰

[۲۷] آیت الاحکام تطبیقی، ص ۳۷.

یا ۹۰۰

[۲۸] الاجتهاد، قرضای، ص ۱۷.

آیه دانسته‌اند.

برخی دیگر نیز درباره افزون‌تر بودن آیت فقهی قرآن از شمارش مشهور گفته‌اند: شمار آیت الاحکام به اختلاف **قریحه‌ها و ذهن‌های** گوناگون بستگی دارد و برای کسی که **خداوند** بآب استنباط را در **دل** او گشوده و **اصول و احکام و فروع** را می‌شناسد بیش از این تعداد است.

[۲۹] فی التاریخ التشریح الاسلامی، ص ۳۱.

برخی از معاصران با نگرش جدید آیت فقهی قرآن را بیش از ۲۰۰۰ آیه دانسته

[۳۰] التفسیر و المفسرون، معرفت، ج ۲، ص ۳۵۴.

[۳۱] آیت الاحکام تطبیقی، ص ۳۷.

و در این باره گفته‌اند: در قرآن **آیت فقهی** فراوانی هست که ظاهر آن‌ها پیوندی با احکام شرعی ندارد؛ ولی می‌توان از آن‌ها حکم فقهی استفاده کرد؛ مانند آیه «أَوْ مَنْ يُنشِئُوا فِي الْجَلْبَةِ وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ»

[۳۲] زخرف/سوره ۴۳، آیه ۱۸.

که در ظاهر به روحیه خاص و ظریف **زین** و ناتوانی آنان در مقام گفت‌وگو و جدل اشاره دارد و از نظر فقهی مستند عدم صلاحیت زنان در تصدی امر **قضاوت** است.

[۳۳] التفسیر و المفسرون، معرفت، ج ۲، ص ۳۵۴.

ویژگی‌های آیت الاحکام

مباحث فقهی مطرح شده در قرآن و آیت الاحکام آن ویژگی‌هایی دارند که با روایت و نیز متون فقهی متداول متفاوت‌اند؛ مانند:

← کلی بودن

بر خلاف **روایت**، قرآن غالباً احکام شرعی را به صورت فشرده، **مجمّل** و با عناوین کلی بیان کرده است؛

[۳۴] فقه الاسلام، ص ۱۳.

[۳۵] فقه‌پژوهی قرآنی، ص ۲۹.

[۳۶] تفسیر جامع آیت الاحکام، ج ۱، ص ۱۵.

مانند «أَخْلَ اللَّهُ التَّبِيعَ»،

[۲۷] [بقره/سور ۲، آیه ۲۷۵](#).

«وَأَوْفُوا بِالْعُقُودِ»،

[۲۸] [مائده/سور ۵، آیه ۱](#).

«لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا»

[۲۹] [بقره/سور ۲، آیه ۲۸۶](#).

و «مَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ».

[۳۰] [بقره/سور ۲، آیه ۱۷۳](#).

← پراکنده بودن میان سوره‌ها

پراکنده بودن آن‌ها در آیات و سوره‌های مختلف

[۴۱] [الاسلام عقیده و شریعه](#)، ص ۴۸۶ - ۴۸۷.

، چنان که اصل اقله نماز در آیه [بقره ۴۳](#) [بقره ۲](#)،

[۴۲] [بقره/سور ۲، آیه ۴۳](#).

لزوم تحفظ بر نماز در آیه [بقره ۲۳۸](#) [بقره ۲](#)،

[۴۳] [بقره/سور ۲، آیه ۲۳۸](#).

[خضوع](#) در نماز در آیه [مؤمنون ۲۳](#)، رو به [قبله](#) بودن در نماز در آیه [بقره ۱۴۴](#) [بقره ۲](#)،

[۴۴] [بقره/سور ۲، آیه ۱۴۴](#).

طهارت و چگونگی انجام آن در آیه [مائده ۶](#) [مائده ۵](#)

[۴۵] [مائده/سور ۵، آیه ۶](#).

و نماز [جماعت](#) را در آیه [بقره ۴۳](#) [بقره ۲](#)

[۴۶] [بقره/سور ۲، آیه ۴۳](#).

بیان کرده است.

← غیرنص بودن

احکام فقهی در قرآن به صورت [نص](#) و غیر قابل تردید بیان نشده، از این رو برداشت‌هایی گوناگون می‌پذیرد،

[۴۷] [الاسلام عقیده و شریعه](#)، ص ۴۸۷.

[۴۸] در اسلت فی القرآن الکریم، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.

در نتیجه استناد به بسیاری از آن‌ها مشکل است،

[۴۹] [التبین، ج ۶، ص ۷۹](#).

[۵۰] تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۷۲ - ۷۶.

چنان‌که در آیه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ»

[۵۱] [هود/سور ۱۱، آیه ۱۱۴](#).

به صراحت مراد از دو طرف روز روشن نشده است و از این رو فقها احتمال‌هایی گوناگون از جمله [نماز صبح](#) و [مغرب](#)، [صبح](#) و [عشا](#)، صبح و عصر و صبح و ظهر را در معنای آن داده‌اند.

[۵۲] [مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۰۶](#).

[۵۳] تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۷۲ - ۷۴.

[۵۴] [زبدۃ البیان، ص ۹۴ - ۹۵](#).

← قرار گرفتن میان مباحث دیگر

بین احکام در لایه لای دیگر [معارف قرآن](#) از جمله مباحث تاریخی، اعتقادی، امثال و مانند آن؛

[۵۵] [البرهن فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۳۰](#).

مانند [حکم مشرو عیت](#) اجاره که ضمن نقلی تاریخی درباره [اجیر شدن موسی](#) (علیه السلام)

[۵۶] [قصص/سور ۲۸، آیه ۲۶ - ۲۷](#).

بیان شده است؛

[۵۷] [زبدۃ البیان، ص ۵۸۶](#).

[۵۸] [کنز العرفان، ج ۲، ص ۷۳](#).

[۵۹] [الام، ج ۴، ص ۲۶](#).

یا حکم قطع انگشتان دست [سارق](#) و باقی گذاردن کف دست ضمن آیات اعتقادی؛

[۶۰] [جن/سور ۷۲، آیه ۱۸](#).

[۶۱] [وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۲۵۳](#).

[۶۲] [الحدائق، ج ۸، ص ۲۷۷](#).

یا احکامی مانند مالک نشستن [بر دگن](#)

[۶۳] [الخلافت، ج ۳، ص ۱۲۱](#).

[۶۴] [مسالك الافهام، ج ۳، ص ۱۴۴-۱۴۵](#).

[۶۵] [احکام القرآن، ج ۳، ص ۲۷۳](#).

[۶۶] نحل/سور ۱۶، آیه ۷۵.

یا وجوب وفا به عهد و حرمت نقض آن

[۶۷] نور التقلین، ج ۳، ص ۸۲.

[۶۸] الصافی، ج ۳، ص ۱۵۳.

[۶۹] نحل/سور ۱۶، آیه ۹۲.

که در قالب مَثَل آمده‌اند.

← بیان احکام با تعبیر گوناگون

به کارگیری لحن‌های متفاوت در بیان احکام.

← احکام الزامی

مثلاً در بیان احکام الزامی همه جا کلمت **امر** و **نهی** یا **واجب** و **حرام** به کار نرفته‌اند تا حکم شرعی موضوع برای همگان روشن باشد، بلکه برای حکم ایجابی گاه کلمه «امر»

[۷۰] یوسف/سور ۱۲، آیه ۴۰.

[۷۱] نساء/سور ۴، آیه ۵۸.

یا فعل امر

[۷۲] بقره/سور ۲، آیه ۴۳.

به کار رفته است؛ لیکن در بسیاری موارد با تعبیر «کُتِبَ»،

[۷۳] بقره/سور ۲، آیه ۱۸۳.

«کتاباً»،

[۷۴] نساء/سور ۴، آیه ۱۰۳.

«فَرَضَ»

[۷۵] بقره/سور ۲، آیه ۱۹۷.

و «قَضَى»

[۷۶] اسراء/سور ۱۷، آیه ۲۳.

آمده است. گاهی جمله خبریه است؛ مانند «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»

[۷۷] واقعه/سور ۵۶، آیه ۷۹.

و گاه در هیئت مصدر: «فَضْرَبَ الرِّقَابَ».

[۷۸] محمد/سور ۴۷، آیه ۴.

← موضوعات مشروع

افزون بر این‌ها، گونه‌هایی از بیان‌های قرآنی نشان دهنده مشروعیت کارهایی‌اند؛ مانند اعمالی که **قرآن** آن‌ها را بزرگ شمرده، انجام دهنده آن‌ها را **مدح** کرده، به آن‌ها رضایت داده، آن‌ها را به پاک‌ی یا به داشتن برکت وصف کرده، آن‌ها را موجب جلب **محبت**، **پاداش**، **هدایت** خداوند، **آمزش گناهان** او و یاری وی از سوی خداوند دانسته، آن‌ها را مقبول خداوند شمرده، و عده برطرف کردن **حزن** و **اندوه** از انجام دهنده آن‌ها را داده، از **دعای پیامبر** برای حصول آن اعمال خبر داده یا آن‌ها را موجب **تقرب** به خداوند دانسته است، اعم از این‌که این مشروعیت در قالب وجوب باشد یا **استحباب**.

[۷۹] البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.

[۸۰] الاتقان، ج ۲، ص ۲۸۰ - ۲۸۱.

← نواهی

برای **نواهی** هم به جز کلمت «نهی»،

[۸۱] ممتحنه/سور ۶۰، آیه ۹.

«حَرَّمَ»

[۸۲] بقره/سور ۲، آیه ۱۷۳.

و فعل نهی،

[۸۳] بقره/سور ۲، آیه ۴۲.

از تعبیری مانند «مَا كُنْ لِمُؤْمِنٍ»،

[۸۴] نساء/سور ۴، آیه ۹۲.

«رَبَّنْ يَجْعَلِ اللَّهُ»

[۸۵] نساء/سور ۴، آیه ۱۴۱.

«وَيَلِّ»

[۸۶] مطفقین/سور ۸۳، آیه ۱.

«رَبِّينَ الْيَتِّ»

[۸۷] بقره/سور ۲، آیه ۱۸۹.

«مَا كُنْ لِيَتِّرَنَّ»

[۸۸] آل عمران/سور ۳، آیه ۷۹.

استفاده شده است، افزون بر این، خداوند ترک آن‌ها را **طلب** کرده، آن عمل یا انجام دهنده آن را **منمت** یا او را به **چار پاپان** یا **شیطان تشبیه** کرده، آن عمل را مانع هدایت یا قبولی دیگر اعمال و سبب رستگار نشدن انجام دهنده آن و نیز **عذاب دنیوی** و **اخروی** او شمرده، آن عمل را سبب **لعنت خداوند** یا زوال **نعمت** او از آن شخص دانسته، انجام آن عمل را موجب اجرای حدود الهی شمرده، عامل آن را به **توبه** فرا خوانده، یا شیطان را **ولی** او شمرده، آن عمل را **گناه** یا **ظلم** یا طغیان‌گری یا تجاوز به **حدود الهی** یا حقوق مردم شمرده، آن عمل را سبب نومیدی شخص در **دنیا** یا **آخرت** دانسته، پرهیز از آن را سبب ورود به **بیهشت** و برخورداری از هدایت، **رحمت** و نعمت‌های الهی دانسته، یا انجام دهندگان آن عمل را به عدم هدایت، **اصلاح** و **ترکیه** نکردن آنان، سخن نگفتن خداوند با آنان در **قیامت** و مسلط کردن شیطان بر آنان **تهدید** کرده است، اعم از این‌که عدم مشروعیت به نحو حرمت باشد یا **کراهت**. البته دلالت این تعبیرها بر حرمت بیشتر از کراهت است.

[۸۹] البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۳۶ - ۱۳۷.

[۹۰] الاتقان، ج ۲، ص ۲۸۱ - ۲۸۲.

← ← موضوعت مباح

مباح و مشروع بودن نیز با شکل و تعبیری نشان داده شده؛ مانند «أَحَلَّ»،

[۹۱] بقره/سور ۲، آیه ۲۷۵.

«أَنْزَلَ»،

[۹۲] یونس/سور ۱۰، آیه ۵۹.

امر پس از **منع**: «إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا»،

[۹۳] مائده/سور ۵، آیه ۲.

نهی **جَنَاح**: «أَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ»،

[۹۴] بقره/سور ۲، آیه ۱۹۸.

نهی **حَرَج**: «أَلَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ»،

[۹۵] نور/سور ۲۴، آیه ۶۱.

استفهام: «هَلْ مِنْ حَرَمٍ زَيْنَةَ اللَّهِ»،

[۹۶] اعراف/سور ۷، آیه ۳۲.

نهی **أَتَمَّ**: «فَلَا أَتَمَّ عَلَيْهِمْ»؛

[۹۷] بقره/سور ۲، آیه ۲۰۳.

همچنین اعمالی که **خداوند** از حرام کردن آن‌ها **سکوت** کرده یا از وقوع آن در زمان **وحی** و عدم نهی **پیامبر** از آن خبر داده، یا حرام کردن آن را از سوی برخی منمت کرده یا حرام بودن آن را **انکار** کرده یا از انجام آن از سوی مؤمنان در امت‌های گذشته خبر داده و استفاده همه اشیاء و اموری که **خلقت** آن را برای **انسان** شمرده است مشروع و مباح‌اند.

[۹۸] البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.

پیشینه

بر اساس آیاتی مانند «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»

[۹۹] نحل/سور ۱۶، آیه ۴۴.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نخستین مفسر قرآن به شمار می‌رود که وظیفه دارد **آیت قرآن** از جمله آیت فقهی را برای مسلمانان تفسیر کند.

تفسیر فقهی پیامبر (ص)

تفسیر فقهی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دو قسم است:

← عمل بدون استناد به قرآن

بیشتر موارد تفسیر فقهی آن حضرت سخنان یا اعمالی است که در تبیین احکام و مباحث شرعی مورد نیاز **مسلمانان** از آن حضرت صادر شده، بدون این‌که در آن مورد به قرآن استناد شود. قسمت عمده این سخنان یا اعمال در واقع تفسیر و تبیین همان **آیت فقهی قرآن کریم** است، چنان‌که در روایتی فرمود: **مناسک** خود را از من فرا گیرید.

[۱۰۰] عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۱۵.

[۱۰۱] عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۳۴.

[۱۰۲] صحیح مسلم، ج ۴، ص ۷۹.

[۱۰۳] السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۲۵.

یا فرمود: همن‌گونه که من **نماز** می‌گزارم نماز بگزارید.

[۱۰۴] بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۳۵.

[۱۰۵] السنن الکبری، ج ۲، ص ۳۴۵.

[۱۰۶] صحیح مسلم، نووی، ج ۴، ص ۹۶.

← بیان احکام با استناد به قرآن

مواردی که آن حضرت، مستند **حکم شرعی** خود را نیز از قرآن بیان کرده‌اند. در این شیوه روایت کم‌شماری از آن حضرت نقل شده‌اند، چنان‌که در پاسخ پرسش **عمار** درباره

چگونگی تیمم فرمود: خداوند در این باره چنین حکم کرده است: «فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا»

[\[۱۰۷\] مائده/سوره ۵، آیه ۶.](#)

آن‌گاه کیفیت تیمم را بیان فرمود؛

[\[۱۰۸\] تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴.](#)

[\[۱۰۹\] مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۷.](#)

[\[۱۱۰\] بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۹.](#)

همچنین مراد از استطاعت در آیه «وَبِهِ عَلَى النَّاسِ جُزُؤُ النَّبِيِّ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»

[\[۱۱۱\] آل عمران/سوره ۳، آیه ۹۷.](#)

را [زاد و رحله سفر](#) شناساند.

[\[۱۱۲\] المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۶۰۹.](#)

[\[۱۱۳\] السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۳۰.](#)

[\[۱۱۴\] تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۹۴.](#)

بر پایه روایتی دیگر، با استناد به آیه «فَقَرَّبُوا رَبَّاهُمْ»

[\[۱۱۵\] نساء/سوره ۴، آیه ۹۲.](#)

از اندازه‌ی بردن خردسال را برای [کفاره](#) کافی ندانست، زیرا خداوند در این آیه برده را با وصف [ایمان](#) آورده و شرط تحقق [ایمان](#) نیز [بلوغ](#) است.

[\[۱۱۶\] وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۳۷۰.](#)

[\[۱۱۷\] المیزان، ج ۵، ص ۴۲.](#)

[\[۱۱۸\] جواهر الکلام، ج ۳۳، ص ۱۹۹.](#)

روایات متعدد دیگری نیز با همین روش از آن حضرت نقل شده‌اند.

[\[۱۱۹\] وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۶۶.](#)

[\[۱۲۰\] مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۴۰.](#)

[\[۱۲۱\] المیزان، ج ۵، ص ۴۲.](#)

فهرست منابع

آیات الاحکام تطبیقی، محمد فاکر مبیدی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳ ش؛ الاتقان، السیوطی (م. ۹۱۱ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق؛ الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیه، القرضاوی، کویت، دار العلم، ۱۴۱۷ ق؛ احکام القرآن، ابن العربی (م. ۵۴۳ ق.)، به کوشش البجاولی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ احکام القرآن، الجصاص (م. ۳۷۰ ق.)، به کوشش صدیقی محمد، مکه، المکتبه التجاریه؛ احکام القرآن، ابن ادریس الشافعی (م. ۲۰۴ ق.)، به کوشش عبدالغنی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۰ ق؛ اسباب النزول، الواحی (م. ۴۶۸ ق.)، قاهره، الحلوی و شرکاه، ۱۳۸۸ ق؛ الاسلام عقیده و شریعه، محمود شلتوت، قاهره، دار الشروق، ۱۴۱۰ ق؛ الاقتصاد الهادی، الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش حسن سعید، تهران، مکتبه جامع چهل ستون، ۱۴۰۰ ق؛ الاکلیل فی استنباط التنزیل، السیوطی (م. ۹۱۱ ق.)، به کوشش عامرین علی، جدّه، دار الانلس الخضراء، ۱۴۲۲ ق؛ الام، الشافعی (م. ۲۰۴ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق؛ انوار الاصول، تقریر ابحت استاد مکارم شیرازی، احمد القدسی، قم، نسل جوان، ۱۴۱۶ ق؛ بحار الانوار، المجلسی (م. ۱۱۱۰ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق؛ بدایة المجتهد، ابن رشد القرطبی (م. ۵۹۵ ق.)، به کوشش خالد العطار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق؛ البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی (م. ۷۹۴ ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۵ ق؛ البیان فی تفسیر القرآن، الخوئی (م. ۱۴۱۳ ق.)، انوار الهدی، ۱۴۰۱ ق؛ پژوهشهای قرآنی (فصلنامه)، مشهد، دفتر تبلیغات؛ تأسیس الشیعه لعلوم الاسلامی، سید حسن صدر (م. ۱۳۵۴ ق.)، علمی؛ تاریخ التشریع الاسلامی، محمد الخضری بک، بیروت، دار القلم؛ التبیان، الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تفسیر جامع آیت الاحکام، زین العابدین قربانی لاهیجی، قم، سایه، ۱۳۷۵ ش؛ تفسیر الصافی، الفیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ ق.)، بیروت، علمی، ۱۴۰۲ ق؛ تفسیر العیاشی، العیاشی (م. ۳۲۰ ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر (م. ۷۷۴ ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۹ ق؛ تفسیر القمی، القمی (م. ۳۰۷ ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ ق؛ التفسیر المنیر، وهبه الزحلی، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۱ ق؛ تفسیر نور الثقلین، العروسی الحویزی (م. ۱۱۱۲ ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان، ۳۷۳ ش؛ تفسیر و تفاسیر شیعه، عبدالحسین شهیدی صالحی، قم، حدیث امروز، ۱۳۸۱ ش؛ التفسیر والمفسرون، الذهبی، قاهره، دار الکتب الحدیثه، ۱۳۹۶ ق؛ التفسیر والمفسرون، معرفت، مشهد، الجامعه الرضویه، ۱۴۱۸ ق؛ تهذیب الاحکام، الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش؛ جامع البیان، الطبری (م. ۳۱۰ ق.)، به کوشش صدیقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق؛ الجامع لاحکام القرآن، القرطبی (م. ۶۷۱ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق؛ جامع المقاصد، الکرکی (م. ۹۴۰ ق.)، قم، آل البیت (علیهم السلام)، ۱۴۱۱ ق؛ جایگاه قرآن در استنباط احکام، سیف الله صرامی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۸ ش؛ جواهر الکلام، النجفی (م. ۱۲۶۶ ق.)، به کوشش قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ الحدائق الناضره، یوسف البجرائی (م. ۱۱۸۶ ق.)، به کوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳ ش؛ الخلاف، الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش سید علی خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۸ ق؛ دراست فی القرآن الکریم، محمد ابراهیم الحنفی، مصر، دار الحدیث؛ الدر المنثور، السیوطی (م. ۹۱۱ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق؛ دعائم الاسلام، النعمان المغربی (م. ۳۶۳ ق.)، به کوشش فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ ق؛ ذخیره المعاد، محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ ق.)، آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث؛ الذریعه الی اصول الشریعه، السید المرتضی (م. ۴۳۶ ق.)، به کوشش گرجی، تهران، دانشگاه، ۱۳۴۰ ش؛ نکری، الشهد الاول (م. ۷۸۶ ق.)، چپ سنگی؛ روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان، الشهد الثانی (م. ۹۶۵ ق.)، قم، آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث؛ زبده البیان، المقدس الاربیلی (م. ۹۹۳ ق.)، به کوشش استادی و زمانی نژاد، قم، مؤمنین، ۱۳۷۸ ش؛ السنن الکبری، البیهقی (م. ۴۵۸ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق؛ صحیح مسلم، مسلم (م. ۲۶۱ ق.)، بیروت، دار الفکر؛ صحیح مسلم بشرح النووی، النووی (م. ۶۷۶ ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق؛ العده فی اصول الفقه، الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش انصاری قمی، قم، ستاره، ۱۴۱۷ ق؛ علم اصول الفقه، عبدالوہب خالاف، قاهره، مکتبه الدعوة الاسلامیه، ۱۹۵۶ م؛ عوالی اللنالی، ابن ابی جمهور (م. ۸۸۰ ق.)، به کوشش عراقی، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۳ ق؛ فقه الاسلام، حسن احمد الخطیب، مصر، هیئة المصریة العامه للکتب، ۱۹۹۲ م؛ فقه پژوهی قرآنی، سید محمد علی ایازی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۸۰ ش؛ فقه القرآن، الراوندی (م. ۵۷۳ ق.)، به کوشش حسینی، قم، کتابخانه نجفی، ۱۴۰۵ ق؛ الفهرست، ابن الندیم (م. ۴۲۸ ق.)، تهران، مروی، ۱۳۹۳ ق؛ قوانین الاصول، میرزا ابوالقاسم القمی (م. ۱۲۳۱ ق.)، سنگی؛ الکافی، الکلینی (م. ۳۲۹ ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش؛ کشف القناع، منصور البهوتی (م. ۱۰۵۱ ق.)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق؛ کنز العرفان فی فقه القرآن، السیوری (م. ۸۲۶ ق.)، به کوشش بیهودی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳ ش؛ کنز العمال، المنقی الهندی (م. ۹۷۵ ق.)، به کوشش صفوة السقاء، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ ق؛ المبسوط فی فقه الامامیه، الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش بیهودی، تهران، مکتبه المرتضویه؛ مجمع البیان، الطبری (م. ۵۴۸ ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ المجموع فی شرح المذهب، النووی (م. ۶۷۶ ق.)، دار الفکر؛ المحاسن، ابن خالد البرقی (م. ۲۷۴ ق.)، به کوشش حسینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۲۶ ش؛ مختلف الشیعه، العلامة الحلی (م. ۷۲۶ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق؛ مسالک الافهام الی آیت الاحکام، فاضل الجواد الکاملی (م. ۱۰۶۵ ق.)، به کوشش شریف زاده، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۵ ش؛ المستدرک علی الصحیحین، الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ مستدرک الوسائل، النوری (م. ۱۳۲۰ ق.)، بیروت، آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق؛ المستصفی، الغزالی (م. ۵۰۵ ق.)، به کوشش محمد عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق؛ مغنی المحتاج، محمد الشربینی (م. ۹۷۷ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ ق؛ المعنی والشرح الکبیر، عبدالله بن قدامة (م. ۶۲۰ ق.)، و عبدالرحمن بن قدامة (م. ۶۸۲ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ المفسرون حیاتهم و منهجهم، سید محمد علی ایازی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۴ ق؛ منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، محمد ابراهیم جناتی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰ ش؛ منتهی المرام، محمد بن حسین عز الاسلام، بیروت، دار المناهل و الدار الیهیمنیه، ۱۴۱۶ ق؛ منتهی المطلب، العلامة الحلی (م. ۷۲۶ ق.)، به کوشش پیشنماز، تبریز، ۱۳۳۳ ق؛ من لا یحضره الفقیه، الصدوق (م. ۳۸۱ ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق؛ الموسوعة الفقهیه المیسره، محمد علی الانصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق؛ المیزان، الطبطبایی (م. ۱۴۰۲ ق.)، بیروت، علمی، ۱۳۹۳ ق؛ نیل الاوطار، الشوکانی (م. ۱۲۵۵ ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳ م؛ وسائل الشیعه، الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ ق.)، قم، آل

١. [↑](#) التفسير و المفسرون، معرفت، ج ٢، ص ٣٥٤.
٢. [↑](#) منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص ٥.
٣. [↑](#) فقه الاسلام، ص ١٠.
٤. [↑](#) فقه القرآن، ج ١، ص ٨.
٥. [↑](#) وسائل الشیعه، ج ٢٧، ص ١١١.
٦. [↑](#) بحار الانوار، ج ٢، ص ٢٢٥.
٧. [↑](#) کنز العمال، ج ١، ص ١٩٦.
٨. [↑](#) الکافی، ج ١، ص ٦٩.
٩. [↑](#) وسائل الشیعه، ج ٢٧، ص ١١٠.
١٠. [↑](#) بحار الانوار، ج ٩٦، ص ٢٦٢.
١١. [↑](#) کنز العرفان.
١٢. [↑](#) فقه القرآن.
١٣. [↑](#) احکام القرآن، شافعی.
١٤. [↑](#) فقه القرآن، ج ١، ص ٨.
١٥. [↑](#) البرهان فی علوم القرآن، ج ٢، ص ١٣٠.
١٦. [↑](#) المستصفی، ص ٣٤٢.
١٧. [↑](#) البرهان فی علوم القرآن، ج ٢، ص ١٣٠.
١٨. [↑](#) فقه پُروهي قرآنی، ص ١١٢ - ٤٥٠.
١٩. [↑](#) پژوهش های قرآنی، س ١، ش ٤، ص ٦٥ - ٨٠، «گستره مباحث فقهی قرآن».
٢٠. [↑](#) تاریخ التشريع الاسلامی، ص ٣١.
٢١. [↑](#) منتهی المرام، ص ٤٥٩.
٢٢. [↑](#) الاسلام عقیده و شریعه، ص ٤٨١.
٢٣. [↑](#) زبده البیان، ص ١٩ - ٧٨٤.
٢٤. [↑](#) علم اصول الفقه، ص ٣١.
٢٥. [↑](#) البرهان فی علوم القرآن، ج ٢، ص ١٣٠.
٢٦. [↑](#) فقه القرآن، ج ١، ص ٨.
٢٧. [↑](#) آیت الاحکام تطبیقی، ص ٣٧.
٢٨. [↑](#) الاجتهاد، قرضای، ص ١٧.
٢٩. [↑](#) فی التاريخ التشريع الاسلامی، ص ٣١.
٣٠. [↑](#) التفسير و المفسرون، معرفت، ج ٢، ص ٣٥٤.
٣١. [↑](#) آیت الاحکام تطبیقی، ص ٣٧.
٣٢. [↑](#) زخرف/سور ٤٣، آیه ١٨.
٣٣. [↑](#) التفسير و المفسرون، معرفت، ج ٢، ص ٣٥٤.
٣٤. [↑](#) فقه الاسلام، ص ١٣.
٣٥. [↑](#) فقه پُروهي قرآنی، ص ٢٩.
٣٦. [↑](#) تفسير جامع آیت الاحکام، ج ١، ص ١٥.
٣٧. [↑](#) بقره/سور ٢، آیه ٢٧٥.
٣٨. [↑](#) مائده/سور ٥، آیه ١.
٣٩. [↑](#) بقره/سور ٢، آیه ٢٨٦.
٤٠. [↑](#) بقره/سور ٢، آیه ١٧٣.
٤١. [↑](#) الاسلام عقیده و شریعه، ص ٤٨٦ - ٤٨٧.
٤٢. [↑](#) بقره/سور ٢، آیه ٤٣.
٤٣. [↑](#) بقره/سور ٢، آیه ٢٣٨.
٤٤. [↑](#) بقره/سور ٢، آیه ١٤٤.
٤٥. [↑](#) مائده/سور ٥، آیه ٦.
٤٦. [↑](#) بقره/سور ٢، آیه ٤٣.
٤٧. [↑](#) الاسلام عقیده و شریعه، ص ٤٨٧.
٤٨. [↑](#) در اسلک فی القرآن الکریم، ص ١٥٢ - ١٥٣.
٤٩. [↑](#) التبتیل، ج ٦، ص ٧٩.
٥٠. [↑](#) تفسير قرطبی، ج ٩، ص ٧٢ - ٧٦.
٥١. [↑](#) هود/سور ١١، آیه ١١٤.
٥٢. [↑](#) مجمع البیان، ج ٥، ص ٣٠٦.

٥٣. ↑ تفسير قرطبي، ج ٩، ص ٧٢ - ٧٤.
٥٤. ↑ زبدة البين، ص ٩٤ - ٩٥.
٥٥. ↑ البرهان في علوم القرآن، ج ٢، ص ١٣٠.
٥٦. ↑ قصص/سور ٢٨، آيه ٢٦ - ٢٧.
٥٧. ↑ زبدة البين، ص ٥٨٦.
٥٨. ↑ كنز العرفان، ج ٢، ص ٧٣.
٥٩. ↑ الام، ج ٤، ص ٢٦.
٦٠. ↑ جن/سور ٧٢، آيه ١٨.
٦١. ↑ وسائل الشيعه، ج ٢٨، ص ٢٥٣.
٦٢. ↑ الحدائق، ج ٨، ص ٢٧٧.
٦٣. ↑ الخلاف، ج ٣، ص ١٢١.
٦٤. ↑ مسالك الافهام، ج ٣، ص ١٤٤-١٤٥.
٦٥. ↑ احكام القرآن، جصاص، ج ٣، ص ٢٧٣.
٦٦. ↑ نحل/سور ١٦، آيه ٧٥.
٦٧. ↑ نور الثقلين، ج ٣، ص ٨٢.
٦٨. ↑ الصافي، ج ٣، ص ١٥٣.
٦٩. ↑ نحل/سور ١٦، آيه ٩٢.
٧٠. ↑ يوسف/سور ١٢، آيه ٤٠.
٧١. ↑ نساء/سور ٤، آيه ٥٨.
٧٢. ↑ بقره/سور ٢، آيه ٤٣.
٧٣. ↑ بقره/سور ٢، آيه ١٨٣.
٧٤. ↑ نساء/سور ٤، آيه ١٠٣.
٧٥. ↑ بقره/سور ٢، آيه ١٩٧.
٧٦. ↑ اسراء/سور ١٧، آيه ٢٣.
٧٧. ↑ واقعه/سور ٥٦، آيه ٧٩.
٧٨. ↑ محمد/سور ٤٧، آيه ٤.
٧٩. ↑ البرهان في علوم القرآن، ج ٢، ص ١٣٥ - ١٣٦.
٨٠. ↑ الاتقان، ج ٢، ص ٢٨٠ - ٢٨١.
٨١. ↑ ممتحنه/سور ٦٠، آيه ٩.
٨٢. ↑ بقره/سور ٢، آيه ١٧٣.
٨٣. ↑ بقره/سور ٢، آيه ٤٢.
٨٤. ↑ نساء/سور ٤، آيه ٩٢.
٨٥. ↑ نساء/سور ٤، آيه ١٤١.
٨٦. ↑ مطلقين/سور ٨٣، آيه ١.
٨٧. ↑ بقره/سور ٢، آيه ١٨٩.
٨٨. ↑ آل عمران/سور ٣، آيه ٧٩.
٨٩. ↑ البرهان في علوم القرآن، ج ٢، ص ١٣٦ - ١٣٧.
٩٠. ↑ الاتقان، ج ٢، ص ٢٨١ - ٢٨٢.
٩١. ↑ بقره/سور ٢، آيه ٢٧٥.
٩٢. ↑ يونس/سور ١٠، آيه ٥٩.
٩٣. ↑ مائده/سور ٥، آيه ٢.
٩٤. ↑ بقره/سور ٢، آيه ١٩٨.
٩٥. ↑ نور/سور ٢٤، آيه ٦١.
٩٦. ↑ اعراف/سور ٧، آيه ٣٢.
٩٧. ↑ بقره/سور ٢، آيه ٢٠٣.
٩٨. ↑ البرهان في علوم القرآن، ج ٢، ص ١٣٤ - ١٣٥.
٩٩. ↑ نحل/سور ١٦، آيه ٤٤.
١٠٠. ↑ عوالى اللئالى، ج ١، ص ٢١٥.
١٠١. ↑ عوالى اللئالى، ج ٤، ص ٣٤.
١٠٢. ↑ صحيح مسلم، ج ٤، ص ٧٩.
١٠٣. ↑ السنن الكبرى، ج ٥، ص ١٢٥.
١٠٤. ↑ بحار الانوار، ج ٧٩، ص ٣٣٥.
١٠٥. ↑ السنن الكبرى، ج ٢، ص ٣٤٥.
١٠٦. ↑ صحيح مسلم، نووي، ج ٤، ص ٩٦.
١٠٧. ↑ مائده/سور ٥، آيه ٦.
١٠٨. ↑ تفسير عياشي، ج ١، ص ٢٤٤.
١٠٩. ↑ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٣٧.

١١٠. [↑ بخار الانوار، ج ٧٨، ص ١٥٩.](#)
١١١. [↑ آل عمران/سورة ٣٥، آيه ٩٧.](#)
١١٢. [↑ المستدرک علی الصحیحین، ج ١، ص ٦٠٩.](#)
١١٣. [↑ السنن الکبری، ج ٤، ص ٣٣٠.](#)
١١٤. [↑ تفسیر ابن کثیر، ج ١، ص ٣٩٤.](#)
١١٥. [↑ نساء/سورة ٤، آيه ٩٢.](#)
١١٦. [↑ وسائل الشیعه، ج ٢٢، ص ٣٧٠.](#)
١١٧. [↑ المیزان، ج ٥، ص ٤٢.](#)
١١٨. [↑ جواهر الکلام، ج ٣٣، ص ١٩٩.](#)
١١٩. [↑ وسائل الشیعه، ج ١٦، ص ٢٦٦.](#)
١٢٠. [↑ مجمع البیان، ج ٣، ص ١٤٠.](#)
١٢١. [↑ المیزان، ج ٥، ص ٤٢.](#)

منبع

[دائرة المعارف قرآن کریم، برگرفته از مقاله تفسیر فقہی قرآن، ج ٨، ص ٢٩٢.](#)